



عقل از منظر اندیشمندان مسلمان / هیچ اندیشمند بزرگی اعتبار عقل را نفی نکرده است

در طول تاریخ، پیروان قرآن و اهل بیت(ع) و متفکران متأثر از آنها، همگی بر اعتبار عقل صحه گذاشته اند. اما کسانی که از قرآن و اهل بیت(ع) آموزگاران کتاب الهی...

در طول تاریخ، پیروان قرآن و اهل بیت(ع) و متفکران متأثر از آنها، همگی بر اعتبار عقل صحه گذاشته اند. اما کسانی که از قرآن و اهل بیت(ع) آموزگاران کتاب الهی و عدل آن، فاصله گرفته اند به گرداب های خطرناک و سهمگینی گرفتار شده اند. به گزارش خبرگزاری مهر، واژه "عقل" در دانش های متعددی همچون کلام، فلسفه یا هستی شناسی، منطق، فلسفه اخلاق و معرفت شناسی به کار می رود و در اصطلاح فلسفه و کلام معانی یا کاربردهای گوناگون دارد گرچه شرح و بررسی کاربردها و اصطلاحات آن مجال دیگری می طلبد.

بحث در مورد پیشینه اعتبار عقل از منظر اندیشمندان مسلمان همچون مسئله رابطه عقل و دین از نگاه آنها، مجال گسترده ای می طلبد و خود در خور بررسی و تحقیق مفصلي است. موضع متفکران مسلمان در این مسئله عمدتاً برگرفته از متون اسلامی است. در متون اسلامی بر جایگاه ویژه و برجسته عقل در معرفت بشری تأکید شده است. آیات و روایات بسیاری از عقل تمجید نموده و برخی از روایات آن را حجت باطنی، در کنار حجت ظاهری، بر شمرده اند.

بر حسب تعالیم اهل بیت(ع) حجت ظاهری، انبیا و ائمه اطهار(ع) و حجت باطنی عقول هستند. آشکار است که اعتبار و حجت انبیا و ائمه از راه عقل، استدلال عقلي و تشخیص و تمیز آن صورت می پذیرد. افزون بر آن، پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) در سیره عملی و علمی خود بر نقش عقل ارج نهاده و عملاً آن را به کار گرفته و در اثبات آموزه های اعتقادی از آن استفاده کرده اند. احتجاجاتی که از پیامبر و امامان معصوم(ع) نقل شده سند محکمی برای اثبات این ادعاست.

جالب توجه آن که با مراجعه به متون دینی در می یابیم که حواس ظاهری، ارزش و اعتبار معرفتی آنها مبتنی بر دلیل عقلي و تأیید عقل است. حضرت امام صادق(ع) برای یکی از مشرکان، از راه تجربه حسی، حدوث عالم را اثبات کردند. دلیل را پذیرفت و پس از تحسین اظهار داشت از آنجا که می دانید ما فقط به حکم حواس گردن می نهیم به حواس استناد کردیم. حضرت فرمود: ذکر الحواس الخمس و هی لاتنفع شیئاً بغير دليل كما لاتقطع الظلمه بغير مصباح.

با توجه به روح اسلام ناب که بر اعتبار عقل اصرار دارد و آن را حجت باطنی، بلکه مبنای حجت ظاهری معرفی می کند پیروان آن، تحت هدایت پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) همواره در طول تاریخ بدین آموزه ملتزم بوده اند و عقل را مهمترین راه یا ابزار معرفت بشری تلقی کرده اند. جریان اخباریگری در میان پیروان اهل بیت(ع) و تقدیم روایات معصومان بر عقل دقیقاً به معنای نفی حجیت عقل نیست، بلکه اخباری های معتدل عقل را در آموزه های اعتقادی اسلام معتبر می دانستند. عمده ترین و مهمترین نگرش آنها این بود که عقل را در تشخیص ملاک ها و مصالح احکام شرعی ناتوان می دیدند و توصیه می کردند که از دخالت دادن عقل در این حوزه بپرهیزد. به علاوه، مواضع حادی که از برخی متفکران این جریان حکایت شده در مخالفت آنها با فلسفه و منطق است؛ فلسفه و منطقی که بر گرفته از یونانیان است، نه در مخالفت با عقل.

بنابراین، نزاع آنها در اعتبار عقل نیست آنها از يك سو، با اصولیون نزاع دارند و از سوي دیگر با فیلسوفان. آنها با موضع گیری در برابر اصولیون حجیت عقل را از باب چهارمین دلیل فقه و نه از باب ابزار فهم متون نفی می کنند و برخی از آنها در مواجهه با فلسفه، ضرورت آن را انکار ورزیده، معتقدند که کسی تا کنون با فلسفه مومن نشده است به جای آن باید به سراغ استدلال هایی که در متون آیات و روایات آمده رفت و از آنها برای اثبات آموزه های دینی همچون وجود خداوند، یکتایی و دیگر صفات او، نبوت، امامت و مانند آنها بهره گرفت.

از سوي دیگر، نقل گرایی محدثان در آغاز عصر غیبت به معنای نفی اعتبار عقل نیست. توحید صدوق برجسته ترین و عالی ترین مفاهیم عقلی را در باب معارف توحیدی تبیین می کند.

در مین پیروان اهل بیت(ص) درباره ضرورت و لزوم فلسفه موجود بلکه اعتبار آن، یا در مورد این مسئله که آیا می توان برای تشخیص بخشی از احکام عملی به عقل استناد کرد، اختلاف نظر دیده می شود، اما نمی توان شخصیت برجسته ای را یافت که بالجمله در اعتبار عقل تردید ورزد یا آن را نفی کند. همگان اعتبار عقل را در استدلال بر آموزه های اعتقادی و نیز اعتبار آن را در فهم متون دینی پذیرفته اند.

اخباری ها هم نمی توانند حجیت عقل را نفی کنند چرا که نفی آن با مبنایشان سازگار نیست. توضیح آن که آنها اخباری اند و به

روایات از جمله روایاتی که بر حجیت عقل تاکید دارند عمل می کنند. چگونه آنها می توانند این گونه روایات را به و یژه روایاتی که عقل را حجت باطنی تلقی کرده اند، نادیده انگاشته، طرد کنند.

می توان گفت در طول تاریخ، پیروان قرآن و اهل بیت(ع) و متفکران متأثر از آنها، همگی بر اعتبار عقل صحه گذاشته اند. اما کسانی که از قرآن و اهل بیت(ع) آموزگاران کتاب الهی و عدل آن، فاصله گرفته اند به گرداب های خطرناک و سهمگینی گرفتار شده اند. از باب نمونه، بر اساس شهادت تاریخ اندیشه، در مبحث معرفت شناختی اعتبار عقل و احکام آن، عده ای به افراط گراییدند و برخی دیگر دچار تفریط شدند و اعتبار عقل را، حتی در حوزه آموزه های اعتقادی که با عقل اثبات می گردد، انکار ورزیدند یا در فهم متون ظاهر گرایي افراطی را در پیش گرفتند و در مورد خداوند متعال به تجسم قائل شدند و آیاتی نظیر؛ "وجاء ربك و الملك صفا صفا" و "الرحمن علي العرش استوي" را بر معانی ظاهری آن حمل کردند. در برابر آنها، همه حکما و جمهور متکلمان برجسته مسلمان اعم از شیعه و سنی، بر اعتبار عقل پای فشردند و بر دفاع عقلانی از آموزه های اعتقادی صحه گذاشته اند.

در مورد حکمای مسلمان از عصر پیدایش آنها تاکنون آشکار است که همه آنها چنین موضعی داشته اند و بر اعتبار عقل و حس تاکید کرده، عقل را عمده ترین ابزار یا راه معرفت بشری به شمار آوردند. از منظر فیلسوفان، متکلمان و دیگر اندیشمندان مسلمان، عقل یکی از عمده ترین راه ها یا ابزارهای معرفت بشری است. جایگاه عقل در معرفت بشری آن قدر مستحکم است که تنها از راه خود عقل می توان در اعتبار آن تردید کرد یا آن را انکار ورزید.